

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

تتبع و نگارش: الحاج امین الدین « سعیدی- سعید افغانی »
۲۰۱۶ می

تفسیر احمد- ۱

ترجمه و تفسیر سوره النبا- ۱

سوره النبا: این سوره در « مکه » نازل شده و دارای ۴۰ آیت است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ (۱) عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ (۲) الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ (۳) كَلَّا سَيَعْلَمُونَ (۴) ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ (۵) أَلَمْ نَجْعَلِ
الْأَرْضَ مِهَادًا (۶) وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا (۷) وَخَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا (۸) وَجَعَلْنَا نُومَكُمْ سُبَاتًا (۹) وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا (۱۰) وَجَعَلْنَا
النَّهَارَ مَعَاشًا (۱۱) وَبَيْنَنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا (۱۲) وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَاجًا (۱۳) وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً
ثَجَاجًا (۱۴) لِنُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَنَبَاتًا (۱۵) وَجَنَاتٍ أَلْفَافًا (۱۶) إِنَّ يَوْمَ الْفُصْلِ كَانَ مِيقَاتًا (۱۷) يَوْمَ يَنْفُخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ
أَفْوَاجًا (۱۸) وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا (۱۹) وَسِيرَتِ الْجِبَالُ كَسِرَابٍ (۲۰) إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا (۲۱)
لِلطَّاعِينَ مَاءً (۲۲) لَا يَبْثِنُ فِيهَا أَحْقَابًا (۲۳) لَا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا (۲۴) إِلَّا حَمِيمًا وَعَسَاقًا (۲۵) جَزَاءً
وِفَاقًا (۲۶) إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا (۲۷) وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَابًا (۲۸) وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا (۲۹) فَذُوقُوا فَلَآنَ
تَزِيدُكُمْ إِلَّا عَذَابًا (۳۰) إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَقَارًا (۳۱) حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا (۳۲) وَكَوَاعِبَ أَتْرَابًا (۳۳) وَكَأْسًا دِهَاقًا (۳۴) لَا
يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِذَابًا (۳۵) جَزَاءً مِنْ رَبِّكَ عَطَاءً حِسَابًا (۳۶) رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمَنُ لَا
يَمْلِكُونَ مِنْهُ خِطَابًا (۳۷) يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا (۳۸) ذَلِكَ
الْيَوْمُ الْحَقُّ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ مَاءً (۳۹) إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا
لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا (۴۰)

مقدمه:

قرآن عظیم الشان کتاب الهی و بزرگترین اعجاز جاودانه، آخرین پیام آور الهی و عصاره و چکیده همه کتب آسمانی است.

قرآن عظیم الشان کتابی است که غبار کهنگی و فنا هرگز نمی تواند بر صفحات نورانی آن بنشیند و گذشت زمان نه تنها آن را فرسوده نمی کند بلکه روز به روز علوم و معارف آن را هویدا تر می گرداند.

قرآن کریم دژ مستحکم امت اسلامی است و به این خاطر دشمنان در طول تاریخ همیشه کوشیده اند با انواع دسیسه های شیطانی امت اسلامی را از تعالیم حیات بخش قرآن دور نگه داشته و این کتاب انسان ساز را مهجور و منزوی نمایند. ولی علی رغم تلاش مستمر آنان ، قرآن کریم سر منشأ تمامی تحولات و حرکتها و قیامها بوده و درخشش آیات نورانی آن، چشم خفاشان زمان را کور کرده است.

نور قرآن پرتو امید ماست «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ» هیچ منبعی به اندازه قرآن نمی تواند نور ببخشد و قلب انسان را نورانی کند و هیچ عملی به اندازه قرآن نمی تواند اخلاق انسان را بسازد.

قرآن عظیم الشان شیوه صحیح و سالم زندگی را به ما می آموزد و راه مستقیم حقیقی را به ما نشان می دهد. «اللَّهُمَّ نُوِّرْ قُلُوبَنَا بِالْقُرْآنِ» آمین یا رب العالمین .

خواننده محترم !

از مهم ترین مسائلی که در جزء سی ام قرآن مجید که اکثریت قریب به اتفاق سوره های آن مکی است روی آن تکیه شده مسأله (قیامت) و شرح احوال انسان در روز رستاخیز و قیامت به بیان گرفته شده است .

این به خاطر آن است که برای اصلاح انسان نخستین گام این است که بداند حساب و کتابی در کار است، محکمه و عدالتگاهی وجود دارد که چیزی بر دادرسان آن مخفی نمی ماند. محکمه ای که نه ظلم و جور در آن راه دارد و نه خطا و اشتباه.

نه توصیه ، واسطه و رشوه در آن کارساز است و نه امکان دروغ و انکار و بالاخره هیچ راهی برای فرار از چنگال مجازات در آنجا نیست ، یگانه راه نجات همانا ترک گناه در این دنیا است .

ایمان به وجود چنین محکمه و دادگاهی ، انسان را تکان می دهد، و ارواح خفته را بیدار می کند، روح تقوا و تعهد و احساس مسؤولیت را در انسان زنده می کند، و او را به وظیفه شناسی دعوت می نماید. اصولاً در هر محیطی فساد رخنه کند عامل آن یکی از دو چیز است : ضعف نیروی مراقبت ، یا ضعف تشکیلات قضائی اگر مراقبین تیزبین اعمال انسانها را زیر نظر بگیرند و محاکم دقیقاً به جرائم متخلفان برسند، و هیچ (جرمی) بدون (جریمه) نماند، در چنین محیطی مسلماً فساد و گناه و تجاوز و تعدی و طغیان به حداقل خواهد رسید.

جائی که زندگی مادی در پرتو مراقبین و دادگاه های آن چنین باشد تکلیف زندگی معنوی و الهی انسان روشن است .

ایمان به وجود مبدائی که همه جا با او است « لا یُعْزَبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ » : (به اندازه سنگینی ذره ای چیزی از علم او مخفی نمی گردد) (سوره سبا - ۳) و ایمان به وجود معادی که به مصداق « فمن یعمل مثقال ذرة خیرا یره و من یعمل مثقال ذرة شرا یره » (سوره زلزال - ۷ و ۸) (ذره ای کار خوب و بد به دست فراموشی سپرده نمی شود، و در آنجا در برابر او قرار می گیرد، چنین ایمانی ، چنان تقوایی در انسان ایجاد می کند که در تمام زندگی می تواند راهنمای او در مسیر خیر باشد.

محور دومی که در جزء سی ام واقعاً قابل دقت و تأمل است ، مسأله حمایت های الهی از پیامبرش است ، طوری که این حمایت قاطع را می توان در سوره ضحی ، در سوره انشراح ، در سوره کوثر، در سوره علق و در بسیاری از سوره

های دیگر درک نمائیم. ما در این پاره می بینیم که خدای تبارک و تعالی حمایت و نصرت خودش را نسبت به رسولش اعلام می‌کند که هرگز پشت رسول خود را خالی نخواهد گذاشت.

مبحث دیگری که در جزء سی ام قابل ذکر است، عرض اندام قدرت الهی در مقابل کفار، مشرکان، مکذبان که آنها هم راه به جایی نخواهند برد، می دانیم که پیامبر در مکه به ظاهر در موضع ضعف بود اما در همین سوره های مکی خدای تبارک و تعالی انواع و اقسام اخطارها و انذارها و تهدیدها را متوجه کفار و مشرکین می کند، که مثال ها و نمونه های این اخطارها و انذارها را در سوره همزه ملاحظه می کنیم که «و یل لکل همزه» یا در سوره «مطففین» می بینیم «ویلا للمطففین» یا در سوره «تبت یدا» می بینیم که «تبت یدا ابی لهب و تب» یا در سوره «علق» می بینیم که خدا تهدید می کند «كَلَّا لَئِن لَّمْ يَنْتَه لِنَسْفَعَا بِالنَّاصِيَةِ نَاصِيَةٍ كَاذِبَةٍ خَاطِئَةٍ» بنابراین، این سوره ها جزء مهمترین ابزارهای تقویت روحی و روانی برای پیامبر صلی الله علیه وسلم و مؤمنان بوده در آن فضای سخت مکه و قاعدتاً می تواند عامل آرامش و تقویت روحی و روانی برای مؤمنان باشد که در هر زمانی و مکانی به تلاوت این آیات و سوره ها مشغول می شوند. بنابراین سوره های جزء سی ام هم در نظر تقویت بنیه های اعتقادی در حوزه های توحید و معاد و هم از نظر بنیه های روحی و معنوی برای تقویت ارتباط انسان با خدای خودش سوره های بسیار مفید و مؤثری می باشد. امیدواریم که تفسیر و ترجمه سوره ها که به شکل درسنامه های علمی و تحقیقاتی تهیه و ترتیب گردیده و در دسترس شما عزیزان قرار دارد، فرصت خوبی را فراهم کند، تا این نوشته مثمر ثمر برای شما واقع گردد.

معلومات مؤجز درباره سوره النبا :

سوره «النبا» از جمله آغاز جز ۳۰ سی ام قرآن عظیم الشان است. این سوره از جمله سوره های مکی بوده، دارای (۲) رکوع، و (۴۰) چهل آیت، و (۱۷۴) یکصد و هفتاد و چهار کلمه، و (۸۰۱) هشتصد و یک حرف، و (۳۶۳) سه صد و شصت و سه نقطه است.

نامگذاری این سوره به خاطر تعبیری است که در آیت دوم آن آمده است و گاه از آن به عنوان سوره «عم» به تناسب آیت نخستین آن تعبیر می شود.

اسباب نزول:

محمد بن جریر طبری مؤرخ و مفسر مشهور جهان اسلام و ابن ابی حاتم محدث معروف مسلمانان از حسن روایت کرده اند:

چون رسول الله صلی الله علیه و سلم به رسالت مبعوث شدند و به مردم مکه از یگانگی خداوند جلّ جلاله و از زنده شدن پس از مرگ خبر دادند و بر آنان قرآن تلاوت کردند، کفار شروع کردند به سؤال کردن از یکدیگر و می گفتند: برای محمد چه اتفاقی افتاده است؟ او چه چیزی به همراه آورده است؟ پس خداوند جلّ جلاله این آیت را نازل فرمود. «عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ» سپس سؤالشان را با این فرموده خویش پاسخ داد:

وجه تسمیه :

این سوره، «عم» و «نبا» نامیده می‌شود زیرا با این فرموده خدای تبارک و تعالی: «عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ» که مراد از آن خبر روز رستاخیز است، افتتاح شده است.

محتوای سوره :

- محتوای این سوره را می توان در چند نقطه ذیل خلاصه و جمع بندی نمود :
- ۱- سوالی که در آغاز سوره از حادثه بزرگ «نبا عظیم» یعنی روز قیامت مطرح شده است.
 - ۲- سپس به بیان نمونه هایی از مظاهر قدرت خداوند در آسمان و زمین و زندگی انسانها به عنوان دلیلی بر امکان قیامت و حشر می پردازد.
 - ۳- در بخش دیگر قسمتی از نشانه های آغاز رستاخیز را بیان می دارد.
 - ۴- در بخش دیگری گوشه ای از عذابهای دردناک طغیانگران را بیان می کند .
 - ۵- به دنبال آن قسمتی از نعمتها و مواهب جنت را شرح می دهد.
 - ۶- سرانجام با انداز شدیدی از عذاب قریب و سپس ذکر سرنوشت غم انگیز کافران سوره پایان می گیرد.

ترجمه و تفسیر موجز:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

«عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ» (۱) «در باره چه از يكديگر می پرسند» کافران؟

«عَمَّ» از دو حرف «عَن» و «ما» مرکب گردیده است ، ما برای استفهام می آید ، در این ترکیب الف از « ما » ساقط گردیده است ، معنایش این است که آنها در چه چیز با همدیگر سؤال و جواب دارند ، سپس خود جواب می دهد:

«عَنِ النَّبَاِ الْعَظِيمِ» (۲) «از آن خبر بزرگ سؤال می کنند»

«نبا عظیم» به چند معنی توسط مفسرین ، تفسیر گردیده است : قیامت، قرآن، تمام اصول عقاید دینی اعم از مبداء و معاد، ولی قرآن موجود در مجموعه آیات این سوره نشان می دهد که تفسیر آن به « قیامت » از همه برتری دارد. این بدین معنا است که اهل مکه در خصوص خبر عظیم الشان قیامت ، بحث و سؤال و جواب دارند ، و نسبت به آن ، با هم اختلاف می نمایند.

«الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ» (۳) «آن که خود در آن مختلف اند»

حضرت ابن عباس (رض) در حدیثی می فرماید : هنگامی که نزول قرآن عظیم الشان آغاز گردید، کفار مکه در محافل و مجالس خویش نشسته، نسبت به آن قیاس آرائی می کردند ، در قرآن ، قیامت ، با اهمیت فوق العاده ای ذکر شده است ، و گویا آمدن قیامت نزد اهل مکه از محالات بوده ، بنابر این ، در باره آن مباحث داغی در جریان بود، عده ای آن را تصدیق می کرد و عده ای از آنان به تکذیب آن استدلال می نمودند ، لذا در ابتدای این سوره ، این وضع آنها را ذکر نمود ، و سپس وقوع آن را بیان کرد ، و نسبت به اشکال و استبعادی که در باره وقوع آن داشتند، جواب داد. بعضی از حضرات مفسرین می نویسند که جروبحث ها و این سؤال و جواب ها برای تحقیق واقعیت یابی به عمل نمی آمد، بلکه فقط به خاطر استهزاء و مسخره صورت می گرفت .

قرآن عظیم الشان در جواب به آن جمله ای را جهت تأکید دوباره تکرار نمود:

«كَلَّا سَيَعْلَمُونَ» (۴) «نه چنان است» که مشرکان می پندارند «بمزودی خواهند دانست» حقیقت امر را.

«ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ» (۵) «باز هم نه چنان است، بمزودی خواهند دانست» یعنی: هرگز سزاوار نیست که درباره قرآن، یا قیامت اختلاف کنند زیرا قرآن و باورهای این دین حق است لذا کسانی که بدان کفر می ورزند، بمزودی فرجام تکذیبشان را خواهند دانست.

آن‌گاه خداوند متعال به ذکر برخی از مظاهر قدرت عظیم خود بر آفرینش اشیای عجیب و پدیده‌های شگرف که خود دلیل قدرت وی بر امر قیامت، و غیر آن است، پرداخته و نه پدیده از آنها را این‌گونه برمی‌شمارد:

«أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا» (۶) (آیا نساختمین زمین را گهواره ای؟)

مهاده: زیرانداز و فرش است، همچون گهواره که برای کودک گسترده می‌شود تا بر آن خوابانده شود.

«وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا» (۷) (و کوهها را میخ هایی؟) یعنی: کوهها را مانند میخهایی برای زمین گردانیدیم تا آرام گیرد و نجنبد، همچنان‌که خیمه با میخ محکم ساخته می‌شود.

«وَوَخَّلْنَاكُمْ أَزْوَاجًا» (۸) (و شما را جفتها آفریدیم) یعنی: جفتهای جوره جوره ای)

زن موجودی ظریف، با احساس و عاطفه قوی است که خداوند متعال او را آفرید تا بخشی از بار رسالت تعلیم و تربیت جامعه را بر دوش گیرد و در مسیر کمال گام بردارد. خداوند زن را که مظهر جمال الهی است، آفرید و او را مایه آرامش و سکون همسر قرار داد، تا خانه و خانواده را در سایه عطف و رحمت خود بیاراید. چرا که رحمت و مؤدت، مایه بقای زندگی است..

«وَوَجَعْنَا نَوْمَكُمْ سُباتًا» (۹) (و خواب شما را مایه آرامش) و آسایش ابدانتان «گردانیدیم» یکی از امور طبیعی مسأله خواب است. خواب در زندگی بشر از چنان اهمیتی برخوردار است که به طور طبیعی انسانی که از خواب به هر علتی محروم شود، ممکن است بمیرد..

به هر حال انسان به طور طبیعی نیازمند خواب است و بی خوابی عامل مهم در ایستادن قلب و مرگ شخص می‌شود. برخی بر این منطبق می‌گویند که انسان از گرسنگی و تشنگی نمی‌میرد ولی از بی خوابی می‌میرد. بنابراین یکی از نعمت های خداوندی به بشر مسأله خواب است..

خواب خوب آن است که در محیطی آرام انجام شود و خوابگاه از کم‌ترین نور برخوردار باشد. از این رو قرآن یکی از آیات بزرگ خداوندی را مسأله گردش روز و شب می‌داند که فرصتی برای استراحت و آرامش کامل انسان در شب فراهم می‌آورد و زمینه را برای تلاش و کار در روز ایجاد می‌کند..

«وَوَجَعْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا» (۱۰) (و شب را ساختیم پوششی) قرآن حقیقت خوابیدن را به معنای خروج روح از بدن برمی‌شمارد و می‌فرماید: «الله يتوفى الانفس حين موتها والتي لم تمت في منامها... ويرسل الاخرى الى اجل مسمى»؛ خداوند کسی است که جان ها و نفس ها را در هنگام مرگ توفی می‌کند و می‌گیرد اگر در خواب نمرده باشد... و آن دیگری را که نمرده می‌فرستد تا زمان مرگ معین و مشخص وی فرارسد. (سوره زمر آیت ۴۲)

در این آیات به خصوص آیت اخیر به حقیقت مرگ اشاره شده است. در تحلیل قرآنی، مرگ و خواب امری یگانه هستند و هیچ تفاوت بین يك ديگر ندارند. به این معنا که حقیقت مرگ و خواب این است که جان انسان به طور کامل گرفته می‌شود و جان از کالبد بشری بیرون می‌رود. از این رو در هنگام خواب ارتباط میان بدن و روح از هم گسسته می‌شود و خداوند جان ها را از تن ها بیرون می‌کشد و به جایی دیگر می‌برد که بیرون از کالبد و تن انسان و جایی است که از آن به نزد خود یاد می‌کند..

تنها تفاوت میان مرگ و خواب این است که در هنگام مرگ این ارتباط به طور کلی حذف می‌شود و هرگونه رابطه و پیوندی میان بدن و روح از بین می‌رود. تن و جان انسان در این هنگام دیگر با هم پیوندی ندارند و روح که از کالبد جدا شده اجازه بازگشت به تن را نخواهد یافت و در همان جایی که رفته نگه داشته می‌شود. اما خواب به گونه ای است که

این پیوند دوباره به طور کامل برقرار می شود و جان به سوی بدن فرستاده می شود تا فعالیت های حیات را رهبری کند.

قرآن هر خوابی را مرگی می داند که توفی و گرفتن کامل در آن انجام می شود با این تفاوت که در هنگام مرگ روح نگه داشته می شود ولی در خواب روح تا مدتی که اجل مسمای فرد است بازگردانده می شود تا تن را مدیریت کند.. بنابراین حقیقت خواب را همانند مرگ می توان خروج روح از تن دانست. هر خوابی مرگی است که ادامه نمی یابد و شخص با بازگشت روح به تن دوباره بیدار می شود. از این رو بیداری به معنای بازگشت روح به تن خواهد بود. کسی که در خواب است هیچ گونه مهار و تسلط بر تن خویش ندارد و ارتباط میان روح و تن به گونه ای نیست که در هنگام بیداری است. این بدان معنا خواهد بود که ارتباط میان روح و بدن ارتباطی از بیرون است و نه از درون. این گونه که شخص از بیرون چیزی و کالبدی را رهبری می کند.

«وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا» (۱۱) (وساختیم روز را معاشی؟) روز یکی از مهمترین موضوعات در قرآن عظیم الشان است که پروردگار با عظمت ما به «روز» در دو سوره قسم یاد نموده است :

۱- در (آیت ۴ سوره شمس) «وَ النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى» (قسم به روز هنگامی که جهان را روشن سازد).
۲- در (آیت ۲ سوره لیل) «وَ النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى» قسم به روز هنگامی که جهان را به ظهور خود روشن سازد).
مفسرین می نویسند که هدف از قسم پروردگار به نور و روشنایی، متوجه ساختن انسان است به فواید بسیار بزرگ آنهاست، تا آن که خدای را شکر نموده و وی را سپاس گوئیم .

قسم پروردگار به روز نشان می دهد که در آن، بزرگترین نعمت های الهی قرار دارد چون اگر روزگار همیشه تاریک بود برای آفریده های خداوند امکان نداشت که به طلب معاش خود مشغول شوند و اگر همیشه روز می بود از استراحت و سکونت و آرامش بهره ای نمی بردند. لذا در دو سوره (شمس و لیل) موضوعات شب و روز تکرار شده است و این برای بزرگ شمردن ارزش آن دو، در باب دلالت بر موارد حکمت آنها است.

«قسم پروردگار» یکی از موضوعات مهمی است که در قرآن عظیم الشان صورت گرفته که در سوره (الشمس و لیل و غیره) در مورد به تفصیل بحث صورت گرفته است، در اینجا مختصراً می خواهم به عرض برسانم:
سوره هائی که در قرآن عظیم الشان با قسم شروع می شوند، این خودش عالمی دارد، این که چرا خداوند باید قسم بخورد و چرا باید به طبیعت قسم بخورد؟ ما انسانها به الله قسم می خوریم می گوئیم قسم به خدا قسم به قرآن یعنی ما به چیزهائی که خدائی هستند قسم می خوریم خدا چرا باید قسم بخورد؟ الله اصلاً ضرورتی به قسم ندارد. مفسرین در علت آن می نویسند :

موضوع قسم بیشتر در سوره های که مکی هستند صورت گرفته و این سوره ها در اوضاع و احوالی نازل شدند که افراد مقابل و مخاطب قرآن، می خواهند قرآن را انکار بکنند و بگویند این کلام الهی نیست و از قرآن انکار کنند، می گویند که : پیغمبر پیغمبر نیست و خداوند با بشر ارتباط برقرار نکرده است. انسان زمانی قسم می خورد؟ وقتی با منکر رو به رو است و گرنه ما احتیاجی به قسم خوردن نداریم همین طوری می خواهیم هدف خویش را بیان می داریم، ولی انسان زمانی مجبور به قسم خوردن می شود که احساس می کند، جانب مقابل حرف او را باور نمی کند یا منکر حرف او است یا این که اصلاً اهمیتی برای حرف او قائل نباشد .

پس خداوند در قرآن کریم که نازل شده و پائین آمده در حد عقول و اندیشه ها و افکار ما قرار گرفته است یعنی کلام عظیم الهی آمده خودش را نازل کرده و پائین آورده به اندازه سطح درک و فهم مخاطبان قرار داده است چون می خواهد با مخاطبانش رابطه برقرار کند و آنها را تحت تأثیر قرار دهد و انکار آنها و استبعاد آنها را (یعنی بعید شمردن آنها) که

بعید می شمارند خدا با یک بشر ارتباط برقرار کند این استبعاد را خداوند می خواهد به هم بزند قسم می خورد. یگانه دلیل قسم های الهی در قرآن را مفسرین همین استدلال می دانند.

«وَبَيْنَا قَوْمِكُمْ سَبْعًا شِدَادًا» (۱۲) (و بر فرازتان هفت آسمان استوار) که در خلقت و آفرینش خود محکم و نیرومند است.

«وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَاجًا» (۱۳) (وساختم چراغ گرم وتابانی) که هدف از آن آفتاب است.
«وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا» (۱۴) (و از ابرهای متراکم آبی ریزان فرود آوردیم)
معصرات: ابرهائی اند که به آب در هم فشرده می شود اما هنوز نباریده است.
ثجاج: فروریزنده به کثرت است.

ابر در قرآن :

قرآن عظیم الشان کلمات مختلفی را برای ابر به کار برده است که از آنجمله می توان :

۱- **سحاب** : از «سحب» به معنای کشیدن است. به ابر، سحاب گفته اند؛ زیرا در آسمان با باد، کشیده می شود یا به این جهت که آب را همراه خود می کشاند. سحاب، اسم برای مطلق ابر، اعم از ابرهای بارانزا و بی باران است. (مفردات، ص ۳۹۹، «سَحَب»)

این کلمه نه بار در قرآن عظیم الشان ذکر شده است : (سوره بقره آیت ۱۶۴، آیت ۵۷ اعراف ؛ آیت ۱۲ رعد ؛ آیت ۴۰ نور؛ آیت ۸۸ نمل ؛ آیت ۴۸ روم ؛ آیت ۹ فاطر ؛ آیت ۴۴ طور .)

۲- **غمام** : از «غمم» به معنای پوشاندن چیزی است. وجه نامگذاری ابر به غمام این است که نور آفتاب ، یا صفحه آسمان را می پوشاند (مفردات ص ۶۱۳، «غمم» .)
این کلمه: چهار بار در قرآن عظیم الشان آمده است (آیات ۵۷ و ۲۱۰ سوره بقره، آیت ۱۶۰ اعراف ؛ آیت ۲۵ فرقان).

۳- **عارض** : از «عرض»، به معنای آشکار کردن است و از آن جهت به ابر، عارض گفته اند که در معرض دید انسان قرار دارد. این کلمه دوبار در (آیت ۲۴ احقاف/ ۴۶) آمده است.

۴- **ظله** : از «ظَلَّ» به معنای سایه، و ابر سایه افکن آمده (مفردات ، صفحه ۵۳۶، «ظَلَّ»). و در قرآن عظیم الشان ، بیش تر درباره ابرهای عذاب آور به کار رفته است. این کلمه دوبار به صورت مفرد در (آیات ۱۷۱ اعراف و آیت ۱۸۹ شعراء و یکبار به صورت جمع در آیت ۲۱۰ بقره) آمده است..

۵- **حاملات** : از «حمل» است و ابر را حاملات گویند؛ چون آب را با خود حمل می کند (مفردات ، ص ۲۵۷، «حمل») این کلمه یکبار در (آیت ۲ ذاریات/ ۵۱) ذکر شده است.

۶- **معصرات** : از «عصر» به معنای فشردن (التحقیق، جلد ۸، صفحه ۱۴۶، «عصر».) و هدف از آن ، ابرهای بارانزا است. وجه نامگذاری ابرها به معصرات آن است که باد، هنگام نزول باران ، آنها را می فشرد. به عقیده برخی، مُعْصِر از إعصار به معنای طوفان است و به ابرهائی گفته می شود که به همراه طوفان آورده شده (مفردات ، صفحه ۵۶۹، «عصر») و دارای رگباری تند و قطرات بزرگ آیند، و مؤید آن، صفت «ثَجَّاجًا» (فراوان و پی در پی) است که قرآن برای باران هائی که از این نوع ابرها فرو می ریزد، آورده است این کلمه یک بار در (آیت ۱۴ سوره نبا) آمده است.

۷- مزن: از «مزن» به معنای درخشندگی و بر ابر نورانی (مفردات، ص ۷۶۶)، «مزن» (و آبدار اطلاق شده است (القاموس المحيط، جلد ۲، صفحه ۱۶۲۱، «مزن». این کلمه صرف يك بار در آیت ۶۹ سوره واقعه ذکر شده است.

۸- از «صَوَّب» به معنای فرو ریختن است که افزون بر ابر، بر باران نیز اطلاق شده است (مقاییس، جلد ۳، صفحه ۳۱۷، «صوب» .) برخی آن را ابر بارانزا دانسته اند. این کلمه يك بار در (آیت ۱۹ بقره/ ۲) به کار رفته است.

۹- سماء: از «سمو» به معنای رفعت و بلندی است و بر هر چیزی، از جمله ابر که بر انسان سایه افکند، اطلاق می‌شود. (الصباح، جلد ۶، صفحه ۲۳۸۲، «سمو»). برخی اطلاق آن را بر ابر، مجازی و برخی دیگر، حقیقی دانسته‌اند (مقاییس، جلد ۳، ص ۹۸)، «سمو» به گفته برخی، مقصود از «سماء» در جمله: « و انزل من السماء ماء» (سوره بقره آیت ۲۲) که در قرآن عظیم الشان چند بار به کار رفته است .

ادامه دارد